



کارکردهای حقوق جزا^۱

دکتر جعفر کوشا

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

این که رشته حقوق جزا، چه کارکردهایی دارد یا باید داشته باشد، یکی از سؤالاتی است که درباره این رشته مطرح می‌شود. بعضی از کارکردهای حقوق جزا؛ مانند نقش سرکوبی، غیر قابل انکار است. نقشهای دیگری نیز برای حقوق جزا مطرح می‌باشد که از آن جمله است: نقش بیان‌کننده یا توصیفی ارزشها و نقش حمایتی. بنابراین، به طور کلی، سه کارکرد برای حقوق جزا می‌تواند مطرح باشد: «سرکوبی»، «بیان‌کننده ارزشها» و «حمایتی».

۱. مقاله حاضر، اقتباسی از برخی مباحث کتاب حقوق جزای جدید است که نوشته «Francis, Le Gunehec, Frederic, Desportes» می‌باشد.

(Le Nouveau Droit pénal, Troisième édition, 1996, Ed: Economica, pp. 22-27.)

مقدمه

مهمترین نقش حقوق جزا که همه اندیشمندان این رشته بر آن اتفاق نظر دارند، این است که حقوق جزا به منظور دفاع از حقوق جامعه و نظم عمومی، واکنشهایی را در نظر می‌گیرد و وظیفه اعمال مجازاتها در مقابل کسانی که به حقوق عمومی تعرض می‌کنند، از جمله نقشهای غیرقابل انکار آن است. اما به نظر می‌رسد که کارکرد حقوق جزا، فقط منحصر به این نقش نباشد. بنابراین، هر یک از نقشهای حقوق جزا، به طور مجزا و مختصر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار نخست: نقش سرکوبگرانه حقوق جزا^۱

وجود حالت‌های خطرناک در بعضی از اشخاص، خطرناکی بعضی از اعمال، دفاع از منافع عمومی و حمایت از ارزشهای پذیرفته شده در جامعه، ایجاب می‌کند که مجازاتهایی پیش‌بینی شود. بنابراین، حقوق جزا در این خصوص می‌تواند نقشی مهم داشته باشد. وظیفه اصلی حقوق جزا، سرکوب کردن اعمالی است که به نحوی، ارزشها، منافع عمومی و نظم عمومی را مورد تعرض قرار می‌دهد.

حقوق جزا همواره از جرم و مجازات بحث می‌کند، لذا وجود مجازاتها و روشهای پاسخ به جرایم و اشکال به این پاسخها، از موضوعات مهم حقوق جزاست. باید گفت که نقش سرکوبگرانه حقوق جزا، از جمله نقشهای غیرقابل انکار و اجتناب‌ناپذیر آن است.

ممکن است عده‌ای عقیده داشته باشند که جامعه بدون مجازات هم می‌تواند حیات داشته باشد - که البته این نظریه هم در جای خود، محل بحث است - اما سایر نویسندگان، بر این نکته اتفاق نظر دارند که حقوق جزا، بدون نقش سرکوبگرانه آن، معنی و مفهومی ندارد.



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

1. La fonction répressive du Droit pénal.

الف) ضرورت سرکوبی و مجازات

هر جامعه‌ای، در قبال پدیده مجرمانه، واکنشهایی از خود نشان می‌دهد. بعضی از این واکنشها در قوانین کیفری به عنوان مجازاتها در نظر گرفته می‌شود. نظم عمومی، منافع عمومی، حفظ ارزشها و حمایت از افراد و حقوق آنان، از موضوعاتی است که ضرورت سرکوبی و مجازات مرتکبان را ایجاب می‌کند. قانون کیفری، قبل از هر وظیفه دیگری، نقش سرکوبگری دارد. در حقیقت، عدم پذیرش این ویژگی حقوق جزا، یعنی انکار حقوق جزا.

ب) تنوع مبانی حق مجازات کردن

نقش سرکوبگرانه حقوق جزا، به معنای آن نیست که فقط منفعت جامعه را در نظر بگیریم. حقوق جزا، در حقیقت دارای جنبه‌های مختلفی است که با توجه به وضعیت مرتکب جرم، سعی دارد به نحوی، از ارتکاب مجدد جرم، جلوگیری کند. ویژگی کم و بیش سرکوبگرانه حقوق جزا، به مبانی حق مجازات کردن بستگی دارد. بنابراین، حق مجازات کردن و بررسی مبانی آن، می‌تواند به نقش سرکوبگرانه حقوق جزا کمک کند. بسیاری از آموزه‌ها و اندیشه‌ها در حقوق جزا، به حق مجازات کردن و مبانی آن در جامعه پرداخته است. مکاتب کیفری؛ از جمله، مکتب عدالت مطلق کیفری^۱، مکتب کلاسیک^۲، مکتب کلاسیک جدید^۳، مکتب تحقیقی^۴، مکتب دفاع اجتماعی نوین^۵ و... هر کدام به مبانی حق مجازات کردن اشاره دارد. مکتب عدالت مطلق، به کارکرد سزا دهنده مجازات پرداخته است و از

کارکردهای حقوق...



پژوهشها

1. L école de La Justice absolue.
2. L école dassique.
3. L école néo dassique.
4. L école positiviste.
5. L école de La défense sociale nouvelle.

آن جا که اعمال مجازات نسبت به مجرم را در هر شرایطی و در هر وضعیتی، به عنوان یک اصل، مورد بحث قرار می‌دهد، جامعه به نظر این مکتب، حق دارد در قبال عمل مجرمانه، از خود واکنشی نشان دهد و مجازات، پاسخی است در مقابل اعمال مجرمانه.

اصل ثابت بودن مجازاتها در مکتب کلاسیک و یا اصل فردی کردن مجازاتها در مکتب نئوکلاسیک، و همین طور، بررسی علمی پدیده مجرمانه در مکتب تحقیقی، و بالاخره، هدف اصلاحی و تربیتی در مجازاتها از نظر مکتب دفاع اجتماعی جدید، از اهم مسائلی است که از یک سو به حق مجازات کردن در جامعه می‌پردازد و از سوی دیگر، به نقشی که مجازات باید در جامعه ایفا نماید، اشاره دارد.

بدین سان، ملاحظه می‌شود که در موضوع سرکوب کردن با مجازات، باید به حق مجازات کردن پرداخت. تنوع در حق مجازات کردن و دیدگاههای مختلفی که در این باره وجود دارد، حاکی از آن است که نمی‌توان از نقش سرکوبگرانه در مجازات، تفسیر ثابت و یکسانی ارائه کرد، بلکه بر اساس مبانی این حق، در هر جامعه‌ای، مجازاتها می‌تواند نقش سرکوبگرانه خود را به اشکال مختلف ایفا کند.



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

گفتار دوم: نقش توصیفی حقوق جزا^۱

الف) قانون جزا، بیانگر ارزشهای اساسی در جامعه

حقوق جزا، علاوه بر نقش سرکوبگرانه، نقش بیان و توصیف ارزشها را نیز ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، هر چند، اعمالی که نظم عمومی را بر هم می‌زنند، در حقوق جزا باید با مجازات و پاسخ روبه‌رو شود، ولی در عین

1. La fonction expressive du droit pénal.

حال، حقوق جزا باید بیانگر ارزشهای مختلف در جامعه نیز باشد. در هر جامعه، ارزشهایی از نظر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و... به عنوان ارزشهای حاکم و اصولی، پذیرفته می‌شود. در حقیقت، جرم به معنای تعرض به این ارزشها تعریف می‌شود. بنابراین، حقوق جزا در ضمن این که به تعرضات ارزشها پاسخ سرکوبگرانه می‌دهد، به نوعی، ارزشها را نیز توصیف و بیان می‌کند؛ چنان که با مطالعه و ملاحظه قانون جزای هر کشوری، می‌توان به ارزشهای اصلی آن جامعه پی برد.

ب) ارتباط حقوق جزا و اخلاق

در جایی که حقوق جزا بیانگر ارزشهای جامعه است و می‌توان با مطالعه حقوق جزا، ارزشهای اصولی را مورد شناسایی قرار داد، رابطه بسیار نزدیکی بین حقوق جزا و اخلاق به وجود می‌آید.

کارکردهای حقوق...



پژوهشها

در مواردی که حقوق جزا نقش توصیفی دارد و بیانگر ارزشهای اصولی در جامعه است، در حقیقت، با اخلاق جامعه و ارزشهای اخلاقی آن ارتباط نزدیکی پیدا می‌کند. آن جا که در هر جامعه، ارزشهایی اخلاقی وجود دارد و مورد قبول اکثریت مردم قرار گرفته است، حقوق جزا نیز سعی دارد این ارزشها را شناسایی کند و با مجازات کسانی که با این ارزشها مقابله می‌کنند، ارزشهای اساسی را توصیف کند.

پس می‌توان گفت که در حقوق جزا، بین وظیفه سرکوبی و نقش بیان ارزشها، یک رابطه ناگسستنی به وجود می‌آید. حقوق جزا می‌تواند هر دو نقش را با هم ایفا کند. و بخصوص نقش تعیین کننده ارزشهای اصولی، می‌تواند پیوندی نیز با اخلاق در جامعه ایجاد کند.

حقوق جزا در قبال پدیده‌های مجرمانه، واکنشهایی را در نظر می‌گیرد که این واکنشها در واقع، در مقام پاسخ به احساسات عمومی مردم است که با وقوع هر جرمی، جریحه‌دار می‌شود. حقوق جزا ضمن بیان این احساسات در قالب جرایم، واکنشهایی نیز تعیین می‌کند.

ج) تفاوت حقوق جزا و اخلاق

هر چند که بیان ارزشهای اصلی، یکی از نقشهای حقوق جزاست، ولی این نقش در حقوق جزا نباید این ابهام را ایجاد کند که بین حقوق جزا و اخلاق، تفاوتی وجود ندارد. بسیاری از ارزشهای اخلاقی، دارای ضمانت اجرای کیفری نیست. عدم پرداخت بدهی توسط بدهکار، دروغ گفتن و... از جمله موضوعاتی است که در قلمرو اخلاق، مذموم است، ولی این موارد، در حقوق جزا به عنوان یک ارزش مورد حمایت از طریق واکنشهای اجتماعی (یعنی تهدید به مجازات) واقع نشده است.

به طور کلی می توان گفت که رویکرد جدید مقنن کیفری در نظامهای کیفری، این است که بسیاری از موضوعاتی را که به طور محض، اخلاقی محسوب می شود، از قلمرو حقوق جزا خارج کند. کیفرزدایی و جرم زدایی در زمینه های خانوادگی و اجتماعی، از جمله مواردی است که در این خصوص می توان به آنها اشاره کرد. حتی در بعضی از تصمیمات شورای اروپایی می توان چنین استنباط کرد که رویکرد به سمت جرم زدایی در موضوعات اخلاقی است.

بنابراین، حقوق جزا (در جوامع با نظامهای سیاسی غیر مذهبی) به موضوعاتی می پردازد که دارای ماهیت خطرناک برای نظم اجتماعی است. مسائلی که به نظم اجتماعی مربوط می شود، در قلمرو حقوق جزا قرار می گیرد. حقوق جزا سعی ندارد به زندگی خصوصی افراد، افکار خصوصی اشخاص، و... که در قلمرو اخلاق قرار می گیرد، وارد شود و برای آنان، مجازات پیش بینی کند.

در مقابل نیز باید اضافه کرد: بسیاری از موضوعاتی که در حقوق جزا به عنوان جرایم جدید در نظر گرفته می شود، از قلمرو موضوعات اخلاقی، خارج است و هیچ برخوردی با اخلاق ندارد. جرایم خلافی (مقررات راهنمایی و رانندگی) که در حقوق جزا به عنوان اعمال مجرمانه در نظر گرفته شده است، ارتباطی با اخلاق ندارد و تنها از حیث تعرض به نظم



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

اجتماعی است که مورد بحث حقوق جزا قرار می‌گیرد. بنابراین، بعضی از موضوعات اخلاقی، به لحاظ این که ارتباط مستقیم با نظم اجتماعی ندارد و مربوط به زندگی خصوصی و فردی مردم است، از قلمرو حقوق جزا خارج است و متقابلاً، بعضی از موضوعات در حقوق جزا، به لحاظ این که ارتباطی با اخلاق ندارد، از قلمرو مباحث اخلاق، خارج است.

گفتار سوم: نقش حمایتی حقوق جزا^۱

تضمین امنیت جامعه و آزادیهای فردی و حمایت از این دو موضوع نیز از وظایف حقوق جزا محسوب می‌شود. اصل قانونی بودن جرم و مجازات به عنوان یکی از اصول مسلم، در واقع بیانگر آن است که حقوق جزا، نه تنها به نقش سرکوبگرانه توجه و عنایت دارد، بلکه سعی دارد از امنیت و حقوق جامعه و آزادیهای فردی نیز حمایت کند. این اصل در اندیشه‌های منتسکیو (Montesquieu) و بکاریا (Beccaria) و نیز در اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ میلادی (ماده ۸) و در بسیاری از اسناد بین‌المللی، بیان شده است.

تا وقتی که قانون، قبل از عمل، اوصاف مجرمانه و مجازات آن را بیان نکرده باشد، عمل شخص، جرم تلقی نمی‌شود و قابل مجازات نخواهد بود. حقوق جزا به عنوان یک قانون تضمین‌کننده اصلی آزادیهای فردی محسوب می‌شود؛ چرا که با تبیین اوصاف مجرمانه در قانون و تعریف دقیق از این اعمال ممنوعه، به افراد اجازه می‌دهد که بتوانند در پرتو این قوانین، آزادانه اعمال خود را انجام دهند و از تعقیب خودسرانه و بدون مجوز قانون، مصون باشند.

بنابراین، نقش حمایتی حقوق جزا، جامعه را به سمت جامعه آزاد و

کارکردهای حقوق...



پژوهشها

1. La fonction protectrice du droit pénal.

مردم سالار سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، نقش حمایتی حقوق جزا، جامعه‌ای بر اساس اصول آزادی و مردم سالار را پیشنهاد می‌دهد.

بدین ترتیب، باید اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق جزا، مورد توجه و عنایت قرار گیرد. وجود این اصل، حاکی از کارکرد حمایتی حقوق جزاست. هر چه در یک نظام کیفری، اصل قانون جرم و مجازات، بیشتر مورد تأکید قرار گیرد، نقش حمایتی حقوق جزا، شفافتر و بهتر قابل درک است.

پس حقوق جزا، دارای سه کارکرد اساسی است که هر سه باید در کنار هم لحاظ شود. قانون جزای منسجم، سنجیده و پویا، قانونی است که بتواند این سه نقش را داشته باشد و به طور هماهنگ، آنها را اعمال کند.



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی